



خانواده و تربیت فرزندان

غلامرضا گلی زواره

* کانون صفا و فضیلت

از دیدگاه اسلام، خانه، نخستین و مهمترین کانون برای تربیت و پرورش اخلاقی فرزندان است و افراد می‌توانند در آن درس فضیلت، مودت، خوش خلقی و تعهد یا درس کینه، نابکاری، خیانت، بذهکاری و دورویی را بیاموزند. با آن که آدمی در مسیر زندگی از جامعه، محل تحصیل، همبازی‌ها و همکاران تأثیر می‌پذیرد، نفوذ خانواده در او افزون‌تر و حساس‌تر است. مسؤولیت خانواده در تربیت فرزند آن چنان اهمیّت دارد که قرآن کریم این مهم و دعای برای تحقق

آن را در زمرة ویژگی‌های مؤمنان

راستین برشمرده و فرموده است:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ
أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۱

«[بندگان خاص خدای رحمان]

کسانی هستند که می‌گویند: خدایا از
همسران و فرزندان ما، مایهٔ روشنی
چشم ما قرار ده و ما را پیشوای
پرهیزگاران بگردان.»

بدیهی است منظور آیه، این
نیست که آنان (مؤمنان) در گوشه‌ای

آنچه خدا امر کرده، امر می‌کنی و از آنچه خداوند باز داشته، باز می‌داری. اگر از تو پذیرفتند، آنان را [از آتش] حفظ کرده‌ای و اگر قبول نکردند، تو وظیفه‌ات را انجام داده‌ای.»^۲

و در حدیث دیگری خاتم رسولان صلی الله علیه و آله این گونه مسلمانان را نصیحت نموده‌اند: «الْأَكْلُكُمْ زَاعٌ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ... الرَّجُلُ زَاعٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ. فَالْمَرْأَةُ زَاعِيَّةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ بدانید همه شما نگهدارید و نسبت به کسانی که مأمور مراقبت از آنان هستید مسؤولید... مرد، نگهدارنده خانواده خویش است و نسبت به آنان مسؤول، زن نیز حافظ خانواده شوهر و فرزندان است و نسبت به آنان مسؤولیت دارد.»^۳

به فرمایش حضرت علی رضی الله عنه بهترین میراثی که پدران می‌توانند برای فرزندان بر جای نهند، ادب و

می‌نشینند و دعا می‌کنند؛ بلکه ارتباط با خدا دلیل شوق و اشتیاق درونی آنان به تربیت فرزندان و رمز تلاش و اهتمام آنان است. این گونه انسان‌ها از آنچه در توان دارند، در رشد فکری، ایمانی و اخلاقی فرزندان و همسران و آشنایی آنان با راه‌های حق و چشمه‌های فضل و فضیلت مضایقه نمی‌نمایند و از خدای خویش می‌خواهند تا لطف خود را در این خصوص شامل حالشان بنماید. در آیه‌ای دیگر قرآن کریم به مؤمنان این گونه هشدار می‌دهد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقَوُّدَمَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾؛^۱ ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید.»

در روایتی آمده است: وقتی این آیه نازل گردید، افرادی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله، پرسیدند: چگونه خانواده خود را از شعله‌های سوزان جهنم مصون نگاه داریم؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ إِنْ أَطَاعُواكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْنَا؛ آن‌ها را به

۱- تحریم/۶.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۷۱.

۳- مجموعه ورام، ورام ابن ابی فراس، ج اول، ص ۶.

الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ؛^۳ مصونیت کودکان [از انحرافات و خطرات] در پرتو صلاحیت پدران آنها می باشد. و امام صادق علیه السلام فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ لَيُفْلِحُ بِفَلَاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وُلْدَهُ وَوُلْدَ وُلْدِهِ؛^۴ با رستگاری مردان با ایمان، خداوند فرزندان و نوادگان آنان را اهل سعادت و رستگاری می نماید.»

پس نخستین گام در تربیت، تزکیه درونی والدین است. کسی که خود به فضایل اخلاقی آراسته نشده و شخصیت و حالات رفتاری او رشد نیافته، نمی تواند دیگران را به پاکی و خوبی هدایت کند.

مقدمه و زمینه پرورش فکری فرزند در اسلام، انتخاب همسر است، همسری که مسؤولیت تربیت و رشد فکری و عاطفی کودک را بپذیرد. به همین دلیل در روایات، مسلمانان از ازدواج با زنانی که از رشد و پرورش های کافی محرومند، باز داشته

تربیت صحیح است. آن حضرت فرمود: «خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْآبْنَاءَ الْأَدَبُ؛ بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می گذارند، ادب است.» و نیز آن پیشوای پارسایان فرموده اند: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدَّبُوهُمْ؛^۱ خوبی را به خود و خانواده خویش بیاموزید و آنها را با ادب پرورش دهید.»

حضرت امام زین العابدین علیه السلام در خصوص انجام این مسؤولیت حساس و سرنوشت ساز از پیشگاه قادر متعال استعانت می طلبد و از درگاه حی یگانه خواسته است:

«وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبَرِّهِمْ؛^۲

[پروردگارا] مرا در پرورش و ادب نمودن فرزندان و نیکی به آنها یاری فرما.»

* صلاحیت، شایستگی و تفاهم

چنانچه گذشت والدین در تربیت اطفال خویش نقش بسزایی دارند، اما در صورتی آنان می توانند الگوی سازنده و مناسب و رشد دهنده ای برای فرزندان خود باشند که صلاحیت و شایستگی این مسؤولیت را داشته باشند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «يَحْفَظُ

۱- الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۴۴.

۲- صحیفه سجّادیه، دعای ۲۵.

۳- بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۷۸.

۴- مأخذ قبل.

و امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرموده‌اند: «إِيَّاكُمْ وَتَرْوِجُ الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدَهَا ضَيَاعٌ»^۳

از ازدواج با احمق اجتناب کنید، زیرا هم نشینی با احمق سبب بلا و فرزندش نیز مهممل [و بدبخت] است. بدون تردید رعایت اصل مهم هم شأنی و هم تایی زن و مرد در ازدواج از جهات گوناگون ضریب استحکام سامان خانواده را افزایش می‌دهد و محیط مساعدی را برای پرورش انسان‌هایی با فضیلت، موفق، کارآمد و بهره‌مند از عزت نفس فراهم می‌سازد. برای تربیت فرزندان، اصولی وجود دارد که با مراعات آن‌ها سریع‌تر و بهتر می‌توان به اهداف مورد نظر رسید. بنابراین والدین با آگاهی از این گونه مباحث، می‌توانند به سهولت مشکلات موجود را برطرف کنند. اما

شده‌اند. و به پیروان آیین اسلام تأکید شده است که: برای نطفه‌های خود جای مناسبی اختیار نمایید. زیرا از طریق وراثت برخی خصصال افراد به یکدیگر انتقال پیدا می‌کند.

به نمونه‌هایی از آیات و روایات در این موضوع اشاره می‌کنیم:

قرآن کریم می‌فرماید: «الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا»^۱

سرزمین پاک به اذن پروردگار، گیاهش می‌روید و از سرزمین ناپاک جز گیاه اندک و بی‌فایده بیرون نمی‌آید.

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برپاخواست و خطاب به مردم فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدَّمَنِ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ. قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنبَتِ السُّوءِ»^۲

ای مردم! از گیاهان سبز و خرمی که در سرگین روئیده‌اند بپرهیزید. عرض شد: یا رسول‌الله! منظور از این سخن چیست؟ فرمودند: [مقصود] زن خوب رویی است که در خانواده‌ای بد [و محیط فاسدی] تربیت شده است.

۱- اعراف/۵۸.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹؛ المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۵۲؛ روضة المتقین، ج ۸، ص ۱۰۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۶.

شرایط سنی لازم است. در روایتی رسول اکرم ﷺ مراحل تربیت پذیری کودک را به سه دوره هفت ساله تقسیم فرموده‌اند: «الْوَلَدُ سِنِيَّ سَنَعِ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَنَعِ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَنَعِ سِنِينَ»^۱

فرزند در هفت سال اول فرمانروا [ی والدین]، در هفت سال دوم مطیع [و پیرو] و در هفت سال سوم وزیر [مسئول و طرف مشورت والدین] است. «حضرت در ادامه این روایت تاکید فرموده‌اند: فرزند باید در تحمل تکالیف و وظایف سنگین زندگی آمادگی کسب کند.

حضرت علی عليه السلام نیز فرموده‌اند: «وَلَدُكَ زَيْحَاتُكَ سَبْعًا وَخَادِمُكَ سَبْعًا ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ»^۲

فرزند شما در هفت سال اول گل [خوشبویی بر ساقه درخت وجودتان] است، در هفت سال دوم خدمتگذار [مطیع و فرمانبردار] شماست، در هفت سال سوم دشمن [بدخواه] شما یا

اگر در این راه گام برندارند، نه تنها رسیدن به هدف‌ها امکان‌پذیر نیست بلکه اختلالات رفتاری در کودکان روبه فزونی رفته و خسارات و ضربات جبران‌ناپذیری به اطفال وارد می‌شود. والدین در مقابل بچه‌های خود مسؤولیت دارند و از این جهت باید بکوشند برای تربیت فرزندان روش مناسب و بهتری را به کار ببرند که کاربرد بیشتری داشته باشد تا فرزند سالم و صالحی تحویل اجتماع دهند.

والدین باید در گزینش بهترین روش تربیتی تفاهم و همگامی داشته باشند و لازم است به اعتقادات و نظرات هم احترام بگذارند و از خودخواهی و لجاجت اجتناب کنند و بیشتر به فکر آینده فرزندان و مسؤولیتی که در قبال آنان به دوش گرفته‌اند، باشند. زیرا اختلاف نظر و جدال‌های بی‌مورد خشم کودکان را برمی‌انگیزد و احساس امنیت را از آنان سلب می‌کند. اما اگر فرزندان احساس کنند والدین با هم هماهنگی دارند، به ساحل آرامش می‌رسند.

* مراحل تربیت

برای تربیت فرزندان توجه به

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۸۴؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۱۵.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، کلمه ۹۳۷.

دوست [خیرخواهتان] است.»

ششمین فروغ امامت حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: «الْعَلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْعِلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛^۱ کودک باید هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن بیاموزد، هفت سال حلال و حرام را فرا بگیرد.»

الف: دوران سیادت

وقتی فرزندی دیده به جهان می گشاید، والدین به محض اطلاع از تولدش باید خدای را سپاس گویند و با الهام از فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله اگر نوزاد دختر است، او را رحمت و اگر پسر است، نعمت تلقی کنند. بعد در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گویند تا از شر شیطان مصون بماند.^۲

نام نیکو:

از حقوق فرزند بر والدین آن است که نامی نیکو برای وی انتخاب کنند. چرا که خاتم رسولان صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ إِسْمَهُ وَيُحْسِنَ آدَبَهُ؛ از حقوق فرزند بر پدر این است که نام خوبی برایش

تعیین کند و به خوبی تربیتش نماید.» ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت نموده است که آن حضرت از پدر و جدش نقل کرده است که حضرت علی علیه السلام فرموده است: «سَمُّوْاْ وَاَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدُوْا، فَإِنْ لَمْ تَدْرُوْا أَدْكُرْ أُمَّ اُنْثَى فَسَمُّوْهُمْ بِالْاَسْمَاءِ الَّتِي تَكُوْنُ لِلسُّكْرِ وَالْاُنْثَى. فَإِنَّ اَسْقَاطَكُمْ اِذَا لَقَوْكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَلَمْ تَسْمُوْهُمْ يَقُوْلُ السَّقِطُ لِاَبِيْهِ: اَلَا سَمَّيْتَنِيْ وَقَدْ سَمَّيْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُحْسِنًا قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ؟^۳

فرزندان خود را قبل از آن که به دنیا بیایند نامگذاری کنید، پس اگر نمی دانید که کودک پسر است یا دختر، نام هایی انتخاب کنید که هم برای پسر مناسب باشد و هم برای دختر، زیرا کودکان سقط شده شما هنگامی که روز قیامت شمارا ملاقات می کنند در حالی که برای آن ها نام نگذاشته اید، به پدر خود می گویند: چرا مرا نامگذاری نکردی در حالی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله محسن را قبل از آن که به دنیا

۱- فروغ کافی، ج ۶، ص ۴۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج دوم، ص ۶۱۹.

۳- فروغ کافی، همان جلد، ص ۱۸؛ وسایل، ج ۷، ص ۱۳۱.

بیاید نامگذاری نمود.»

نام، وجود دوم شخص به شمار می‌رود و آدمی همواره با نامش در مجالس و محافل عمومی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. لازم است والدین بر اساس معیارهایی چون شرع مقدس، بصیرت و خردمندی و عرف مطلوب جامعه نام نیکی برای فرزندان خویش تعیین کنند.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّيَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَفْضَلُهَا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ»^۱

صحیح‌ترین نام‌ها، نامی است که معنای بندگی خدا را داشته باشد و برترین آن‌ها اسامی فرستادگان الهی است.»

بنابراین انتخاب نام مناسب برای فرزندان اولین وظیفه والدین است که باید با دقت خاصی صورت پذیرد.

شیر مادر:

شیر مادر از لحاظ رشد نوزاد، حفظ او در مقابل بیماری‌ها، تأمین آرامش روانی او، از بهترین، سالم‌ترین و غنی‌ترین غذاها برای کودک است. به همین دلیل اسلام آن را برترین غذای

کودک و حق طبیعی او می‌داند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «أَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ»^۲

برای کودک هیچ شیری بهتر از شیر مادر نیست.»

بازی:

کودک از چهار سالگی وارد مرحله‌ای جدید از زندگی می‌شود، در این زمان به لحاظ روانی کنجکاو است و بسیاری از مفاهیم را فرا می‌گیرد. به همین دلیل والدین باید توجه بیشتری به او بنمایند. بازی برای کودکان سه تا هفت سال بهترین سرگرمی است و از این جهت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تأکید نموده‌اند: «دَعْ ابْنَكَ يَلْعَبُ سِنِعَ سِنِينٍ؛ هفت سال فرزندت را رها کن تا بازی کند.»

کارشناسان تعلیم و تربیت نیز همین توصیه خاتم رسولان صلی الله علیه و آله را تجویز می‌نمایند. بازی علاوه بر آن که حرکات بدنی طفل را شکل داده و هماهنگ می‌نماید، حواس او را متوازن می‌کند، تمایلاتش را متعادل

۱- کافی، ج ۲، ص ۸۶

۲- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶

کرده و از پرخاشگری و برخی رفتارهای ناهنجار او جلوگیری می‌کند. از طریق بازی، کودکان می‌توانند جنبه‌هایی از ابتکار، خلاقیت و توانایی ذهنی خویش را نشان دهند و از این جهت بازی طفل را برای زندگی بهتر مهیا می‌کند. اصول ارزشی اخلاقی که اسلام بر آنها تاکید دارد همچون یاری رساندن به یکدیگر، حفظ اتحاد و یکپارچگی و ارزش قائل شدن برای دیگران را کودکان به هنگام بازی بهتر درک می‌کنند و می‌آموزند.^۱

نکات قابل توجه:

در دوران سیادت فرزندان، اولیاء باید محورهای ذیل را مد نظر قرار دهند:

الف - برخوردار نمودن فرزند از مزایای تعلیم و تربیت و سوق دادن اطفال به سوی ارزش‌های متعالی، مقدّس و مسایلی که با فطرت خدائشناسی او هماهنگی دارد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ كُلُّ مَا نَقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ وَقَبِلَتْهُ»^۲ قلب بچه همچون زمین خالی است که هر چه (هر بذری) در آن

افکنده شود، آن را می‌پذیرد.»

ب - در همین سنین باید اطفال را با موازین شرعی، مسایل اعتقادی و فرائض الهی آشنا نمود.

حضرت علی علیه السلام نیز تاکید کرده‌اند: وقتی کودک به پنج سالگی رسید و دست چپ و راست خود را شناخت او را در برابر قبله نگه داشته و دستور دهید سجده کند، در شش سالگی رکوع و سجود را به او بیاموزید و در هفت سالگی شستن دست و صورت و مراسم نماز را به او یاد دهید و در نه سالگی وضو را کاملاً به وی بیاموزید و وادار کنید نماز بخواند.^۳

همچنین آن حضرت فرموده‌اند: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَيُحْسِنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»^۴

حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو بر او بگذارد و خوب ادبش کند و

۱ - نحوه رفتار والدین با فرزندان، یدالله جهانگرد، ص ۳۳.

۲ - نهج البلاغه، نامه ۳۱ (نامه حضرت علی به امام حسن).

۳ - مکارم الاخلاق، ص ۲۵۴.

۴ - نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۱۲۶۴.

قرآن را به وی یاد دهد.»

والدین باید این واقعیت مسلم را بدانند که کودک در این سنین برای خود شخصیتی دارد و هرگونه رفتاری با او غالباً در مراحل بعدی زندگی اثر می‌گذارد و تحت تاثیر پرورش‌های پدر و مادر راهی را انتخاب می‌کند. اگر این کوشش‌های تربیتی ناقص، نارسا و بدآموز باشند، از سیر صلاح، رستگاری و فضیلت فاصله می‌گیرد.

پس والدین باید کودک را به عنوان عضوی ارزنده از خانواده قبول کنند و از ناسازگاری مخصوصاً در حضورش اجتناب کنند و تنها به فکر تغذیهٔ بدنی او نباشند بلکه در تعیین مسیر زندگی، او را یاری دهند و راهنمایش باشند.^۱ متأسفانه غالب بزرگسالان به جای بکارگیری روش‌های تأثیرگذاری در مورد بچه‌ها به تحمیل محدودیت می‌پردازند، دستور می‌دهند، فرمان صادر می‌کنند، تنبیه می‌نمایند و یا آن‌ها را تهدید به مجازات می‌کنند. اعمال این نوع روش‌های کنترل‌کننده عملاً بر ذهن و روان کودکان تاثیر منفی می‌گذارد. بنابراین والدین برای آن که

اطفال دچار مشکلات اخلاقی و رفتاری نشوند و تربیت‌های مفید اثری عمیق و مداوم بر زندگی آنان بگذارد، باید از روش‌های زورمدارانه برای کنترل فرزندان بپرهیزند و از شیوه‌هایی استفاده کنند که توان آنان را برای دست یافتن به شخصیتی سالم، پویا، دارای اعتماد به نفس و متمایل به خوبی‌ها ارتقا دهد.^۲

* چشمهٔ محبت و عطاقت

در هفت سال اول، کودک از آموزش جدی و رسمی معاف است و در این دوران آزادی عمل بیشتری دارد و نباید تکالیف سخت را بر او تحمیل کرد، از این رو گفته‌اند: طفل در این مقطع سنی تکلیف‌پذیر نیست. کودک به رغم کم‌سالی موجود با ارزشی است و باید در خانواده گرامی داشته شود و مورد مهر و محبت قرار گیرد. هیچ جایی نمی‌تواند برای ارضای عواطف

۱- اسلام و حقوق کودک، دکتر احمد بهشتی، ص ۱۰۵؛ خود انضباطی کودک و نوجوان در خانه و مدرسه، توماس گوردون، ترجمه دکتر زندی، ص ۲۹.

۲- رفتار والدین با فرزندان، محمد علی سادات، ص ۱۹.

یابد. محبت را باید طوری آشکار ساخت که فرزندان در درک و احساس آن دچار شک و تردید نگردند و در ابراز آن نباید بین فرزندان تبعیض قائل گردید که ایسن وضع حقارت‌ها، انحرافات و کینه‌هایی را در میان بچه‌ها پدید می‌آورد و کسی که روح تشنهٔ لطف و محبتش در کانون گرم خانواده سیراب نگردد، در خارج از محیط خانه فریفته چرب‌زبانی‌ها و تملق‌ها و برخی جاذبه‌های کاذب می‌گردد و استمرار این وضع، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی را به دنبال خواهد آورد. کودکان دشوار غالباً کسانی هستند که در کانون خانوادهٔ نابسامان که از فروغ عطف گرم و روشن نشده، پا به عرصهٔ وجود نهاده‌اند یا حداقل به جای محبت تنها از ترحم دیگران برخوردار گردیده‌اند. این محرومین لطف و محبت و قربانیان جهل و بی‌مهری خانواده، ناچار نیاز به خودنمایی و جلب توجه خود را از راه‌های دیگر که به زیان اجتماع است،

کودک، جای محیط پر مهر و امن خانواده را بگیرد. یکی از روزه‌های نفوذ در فرزند محبت است و از این طریق والدین می‌توانند کودک را تحت کنترل خود بگیرند و ضمن پرورش و رشد شخصیت وی، او را از سقوط در درهٔ فساد و انحراف بازدارند.

ابراز محبت در تربیت صحیح فرزند آن قدر اثر دارد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَلَدِهِ حُبَّالَهُ عِبَادَةً»^۱

نگاه محبت‌آمیز پدر به صورت فرزند عبادت است.

و نیز آن رحمت عالمیان صلی الله علیه و آله تاکید کرده‌اند: «كثُرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ»^۲

فرزندان خود را زیاد ببوسید که با هر بوسه‌ای که شما والدین نثار فرزندتان می‌کنید، درجه‌ای در بهشت به دست می‌آورید که طول مسیر آن پانصد سال راه است.

اظهار لطف و محبت در کانون خانواده، به منزله یک غذای روحی است که باید با ملاحظاتی استمرار

۱- مستدرک الوسائل، باب ۶۴، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۲- وسائل، ج ۲۱، ص ۴۸۵.

ارضاء می‌کنند.^۱

کودکستان و شیرخوارگاه‌های عمومی نمی‌توانند با لبخندهای حرفه‌ای و مصلحتی کارکنان جای تبسم‌های صادقانه والدین را بگیرند. دکتر الکسیس کارل می‌نویسد: مادرانی که کودکان خود را به مهد کودک می‌سپارند تا به شغل اداری و تفریح‌های هنری، ادبی و... خود پردازند سبب خاموشی شعله‌های محبتی می‌شوند که کودکان در پرتو گرما و نورش بسی چیزها فرا می‌گیرند.^۲

در خانواده‌هایی که این گوهر تابان، نور افشانی نکند، باید بسیاری از آلام روحی و معضلات اجتماعی را جستجو کرد.

به قول مولوی:

از محبت تلخ‌ها شیرین شود

وز مسخیت مس‌ها زرین شود

رشد عاطفی کودکان آن چنان

پیچیده و با اهمیت است که چگونگی

شرایط عاطفی حتی بر رشد جسمی،

رشد ذهنی و اجتماعی تاثیر جدی

می‌گذارد. اطفالی که در خانواده آن‌ها با

مهر و محبت رفتار می‌شود و نیازهای فطری و اساسی آنان به شایستگی تامین می‌گردد، همواره با چهره‌ای شاد و متبسم و با انرژی روانی قابل توجه و آرامش روان تلاش می‌کنند استعداد‌های بالقوه خود را در زمینه‌های گوناگون رشد به ظهور برسانند. به طور کلی شرایط عاطفی خوشایند کودکان در سنین خردسالی تاثیر بسزایی در رشد مطلوب منش و شخصیت آنان دارد، اگر نیاز عاطفی بچه‌ها به نحو مطلوبی در خانواده تامین گردد، کودکان احساس خودارزشمندی کرده و با اعتماد به نفس روزافزون، با نگرش مثبت به زندگی و با انگیزه‌ای قوی با مسایل مختلف مواجه می‌شوند و به تلاش و تکاپو می‌پردازند.^۳

از جلوه‌های تغذیه عاطفی کودک همبازی شدن با اوست و در تعالیم

۱- روح بشر، دکتر ناصرالدین صاحب الزماني، ص ۵۷ و ۱۳۸.

۲- انسان موجود ناشناخته، دکتر الکسیس کارل، ص ۲۶.

۳- چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی (کاربردی)، دکتر غلامعلی افروز، ص ۱۳۵.

اسلامی به این نکته تاکید شده است. رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبًا؛ هر که کودکی دارد باید [در راه تربیتش] خود را تا سر حد کودکی برساند (خود را با دنیای او هماهنگ کند).» مولوی نیز این حقیقت را به نظم در آورده است:

چون که با کودک سروکارت فتاد

هم زبان کودکی باید گشاد
همبازی شدن با کودک علاوه بر این که او را غرق لذت و سرور می‌کند، صمیمیت و عطوفت را افزایش می‌دهد و اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی را در کودک تقویت می‌نماید.

* مرحله اطاعت

از هفت سالگی دیگرگونی‌های قابل ملاحظه‌ای در بدن و روان کودک پدید می‌آید.

به لحاظ ذهنی به درجه‌ای از رشد می‌رسد که خوبی‌ها و بدی‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌ها را درک می‌کند، ولی در انتخاب راه و گزینش اهداف معقول پختگی لازم را ندارد. روان‌شناسان ثابت کرده‌اند که اطفال در سنین هفت

تا چهارده سالگی به دلیل درکی که از ناتوانی‌های جسمی و روحی خود دارند، نسبت به بزرگترها حالت اطاعت را پیش می‌گیرند و از دستورات والدین تبعیت می‌نمایند و حالت انقیاد و تسلیم در رفتارشان مشهود است و از ابراز متابعت احساس لذت می‌نمایند. رسول اکرم ﷺ بر اساس همین واقعیت‌هایی که در کودکان هفت تا چهارده ساله مشاهده می‌گردد، این مرحله از عمر را دوران پیروی و اطاعت نامیده‌اند. تعلیم و تربیت رسمی از هفت سالگی آغاز می‌گردد و مرحله اطاعت را کودک در دبستان و مدرسه راهنمایی می‌گذراند.

به دلیل رشد ذهنی، افزایش قدرت حافظه، شکوفایی استعدادها، گرایش به زندگی اجتماعی، اشتیاق به درک مجهولات و برخی حالات دیگر که در کودک پدیدار می‌شود، این دوران فرصت بسیار خوبی برای پرورش اخلاقی و رشد فضایل و صفات حمیده در اطفال است. در دوره سنی مورد اشاره، طفل انعطاف و

همسالان را به رخ طفل کشیدن، غیر واقع بینانه از او توقع داشتن و تفاوت‌های فردی را نادیده گرفتن، خطاهای تربیتی مهمی هستند که شخصیت طفل را مخدوش می‌کند و احساس اندیشمندی و اطمینان به خود را از او سلب می‌کند. همچنین اگر فرزند استعداد بالایی دارد و از هوش و توانمندی ذهنی خوبی برخوردار است نباید پیوسته این موضوع را در حضور او و افراد دیگر بر زبان آورد، تکرار این وضع او را از فعالیت باز می‌دارد و دچار رکود می‌کند و به تدریج خود بر تربیتی و غرور را در او احیا می‌نماید.^۱

* مرحله وزارت

همانگونه که اشاره کردیم در سخنان معصومین علیهم‌السلام از چهارده سالگی تا بیست و یک سالگی دوران وزارت نام گرفته است. زیرا فرزند در این مقطع سنی آماده مسئولیت پذیری می‌شود و می‌تواند بخشی از بار سنگین خانواده را بر دوش گیرد. والدین نیز می‌بایستی ضمن فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت فرزندان در امور خانه به اقتضای سن نوجوانان به آنان

پذیرش افزون‌تری برای تربیت دارد. بنابراین باید با اهتمام وافر به تربیت کودک همت گماشت و از آرامش و پایداری موجود بهترین بهره را بُرد و اگر تربیت فکری، عاطفی و اخلاقی کودک در این دوران به درستی و با دقت صورت نگیرد، در دوره نوجوانی با مشکلات زیادی روبرو می‌شود که رفع آن‌ها به سهولت امکان پذیر نخواهد بود. در چنین مقطعی خانه و مدرسه هر کدام باید نقش ویژه خویش را ایفا کنند. در خانه روابط فردی تر و عاطفی تر و در مدرسه اجتماعی و منطقی تر است. از این‌رو خانه و مدرسه از لحاظ فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای رشد کودک مکمل یکدیگرند.

در برابر سخن گفتن کودکان باید شنونده خوبی بود و متانت و بردباری ضرورت دارد. سرزنش کردن اطفال به دلیل شکست‌ها روا نمی‌باشد و بهتر است آن‌ها را به خاطر موفقیت‌ها و کوشش‌هایشان مورد تشویق قرار دهیم تا اعتماد به نفس آنان آسیب نیند. مقایسه کردن کودکان با یکدیگر، موفقیت

۱- آموزش خانواده، ج هفتم، ص ۲۹ و ۳۰.

زبانان» را در نظر بگیرند تا عملاً فرزندانشان به امور شایسته و فضیلت‌های اخلاقی فراخوانده شوند، زیرا به قول سعدی: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». تناقض بین گفتار و کردار فرزند را دچار حیرت و سرگردانی و کاهش اعتماد می‌کند.

پدر و مادر باید توجه نمایند که در خانه به عنوان الگوی تربیت فرزندان به حساب می‌آیند و برای ایجاد صفات خوب و ترویج خصال پسندیده و عادات مطلوب تربیت عملاً اقدام کنند و به تذکر و پند اکتفا ننمایند و سخن سعدی را آویزه گوش خود قرار دهند که:

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گویی

به عمل کار برآید به سخندانی نیست
والدین باید بیش از هر چیز مواظب
کردار و رفتار خود باشند و هرچه
می‌خواهند به فرزند بیاموزند، نخست
خود آن را به کار گیرند و گرنه اندرزی که
خلاف آن عمل شود، اثر معکوس دارد:

پندم چه دهی؟ نخست خود را

محکم کسمری زبند بریند

حق اظهار نظر و ابراز عقیده دهند و مشورت کردن با فرزند را فراموش نکنند. زیرا در پرتو آن والدین به احساسات و عواطف آنان احترام گذاشته و تا حدودی به حالات رفتاری و روانی نوجوانان خویش پی می‌برند. فرزندان نیز وقتی احساس کنند به گرایش‌ها، تمایلات و حقوق آنان ارج نهاده شده و خانواده بر اساس تحکم اداره نمی‌شود، با والدین به مناقشه و ستیزه جویی نمی‌پردازند، استقلال فکری آنان تامین می‌شود و احساس آرامش بیشتری می‌کنند. این دوران با هجوم غرایز لجام گسیخته به خصوص تمایلات شهوانی چون طوفانی مهیب به سوی نوجوانان مقارن است و از این جهت باید والدین در تقویت حالات معنوی و اعتقادی فرزندان اهتمام ورزند و با دادن آگاهی‌های ضروری در خصوص تعدیل و کنترل غرایز آنان را از آسیب پذیری ناشی از طغیان این امیال مصون نگاه دارند.

رفتار والدین باید با گفتارشان هماهنگ باشد و این اصل مهم را که امام صادق علیه السلام بر آن تاکید کرده‌اند: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلْسِنَتِكُمْ؛^۱ با اعمال خود مردم را دعوت کنید نه با

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.

چون خود نکنی چنان که گویی

پسند تو بویود دروغ و ترفند^۱
والدین نباید فراموش کنند که با
نوع هدایت خود، سرنوشت فرزند را
مشخص می‌کنند و آنچه را خود دارند،
به آنان انتقال می‌دهند. لذا چنانچه از
کلمات گهربار ائمه علیهم‌السلام و نیز کارشناسان
علوم تربیتی برداشت می‌گردد به پدر و
مادر توصیه شده است که اگر خواستار
آن هستید که فرزندی پاک، پرهیزگار و
کوشا داشته باشید، یک راه اساسی آن
است که خود این گونه باشید. به قول
مولوی:

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها

از ره پنهان صلاح و کینه‌ها

صحبت صالح تو را صالح کند

صحبت طالح تو را طالح کند

به طور کلی کودکان و نوجوانان
بزهکار در خانواده‌ای پرورش یافته‌اند
که والدین بایکدیگر رفتار خوبی نداشته
و در برخورد با فرزندان، خشن و
سخت‌گیر یا بی‌تفاوت بوده‌اند. یکی از
آلودگی‌های بسیار مخرب که در رفتار
نوجوانان تاثیر نامطلوبی دارد، اعتیاد به
مواد مخدر است. به اعتقاد دانشمندان و

بررسی‌های علمی، حاصل اعتیاد والدین
سردی کانون خانواده، سستی پیوند
عاطفی، و عوارض ناشی از آن بدآموزی
و تقلید ناروا، احساس شرمساری،
نابسامانی زندگی، استعداد انحراف و
منجر شدن به ارتکاب جرم برای
نوجوانان است. پدر و مادر بهترین
سرمشق فرزندان هستند و اگر در مقابل
رفتار طبیعی و فطری فرزند عکس
العمل مناسب و حساب شده صورت
نگیرد و پاسخ‌های بی‌ربط، ترساننده، و
گاهی توأم با خشونت و بددهنی به او
داده شود، در واقع زمینه‌های انحراف
روحي و فکری و بزهکاری در وی پدید
می‌آید. خانواده‌ها نباید فراموش کنند که
مسئول فردای فرزندان خویش هستند.
فرزندی که فردایش را در عالی‌ترین
مدارج علمی و معنوی و پیمودن مسیر
تکاملی و فضیلت‌های اخلاقی سپری
می‌کند و نوجوانی که بهترین روزها و
اوقات خود را در گوشه زندان به دلیل
بزهکاری، جرم و خیانت می‌گذراند، هر
دو محصول خانواده هستند.

۱. ناصر خسرو قبادیانی.